

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

گزارشگران پورتال – افغانستان

۲۶ جون ۲۰۱۱

در افغانستان چه می گذرد؟

(۱۱۴)

قاتلان جانی اعدام شدند:

دو تن از قاتلانی که بر کابل بانک در جلال آباد حمله کرده بودند، به روز ۲۰ جون در زندان پلچرخي به دار زده شدند. "زرعجم" که مسکونه وزیرستان شمالی بود، در این روز با پوشیدن لباس نظامی وارد کابل بانک شد و همه مراجعان را به گروگان گرفت. او در رهرو یک یکی را طلب می کرد و با فیر کلاشینکوف می کشت. همکار او قاری مطیع الله مسکونه ولسوالی مروره ولایت کنر نیز به چنین کشتاری دست زد و این دو بالاخره ۴۲ نفر را کشتند و ۹۰ نفر دیگر را زخمی کردند که در میان کشته شدگان فقط هفت نفر نظامی بود. بعداً دو نفر با همکار دیگر شان به نام دادمحمد دستگیر شدند و محکمه برای "زرعجم" و "قاری مطیع الله" حکم اعدام و برای دادمحمد بیست سال زندان خواست. این حکم اعدام بالاخره به وسیله کرزی توشیح شد و به این تاریخ عملی گردید.

در هفته گذشته، صلاح الدین ایوبی یکی از سخنگویان ملا سراج الدین حقانی به رسانه ها اعلان کرده بود که چون کشته شدگان کابل بانک همه نظامی بودند، زرعجم و قاری مطیع الله هر دو اسیران نظامی اند، پس دولت و هیچ قاضی حق اعدام او را ندارد که اگر چنین کاری شد، این گروه حکم اعدام قاضیان را صادر خواهد کرد. بعد از دستگیری زر عجم که فرد قبایلی از وزیرستان شمالیست، او در صحبتی اعلان کرد که از کشتن این افراد به شدت لذت می برد و خوش داشت که این انسان ها را اعدام می کرد. برخی ها بعد از دستگیری این جنایتکار را دارای مشکل روانی عنوان کردند، اما مردم تمام افغانستان که فلم کشتار او را دیده بودند، از دولت دست نشانده تقاضا می کردند که باید این جانی اعدام شود و بالاخره در روز دوشنبه این دو قاتل در زندان پلچرخي به دار زده شدند.

به ارتباط این خیر باید افزود:

این که هر نهاد انقلابی با حرکت از احترام به حق حیات انسانی در اساس نمی تواند با اعدام موافق باشد و باید برای لغو آن مبارزه نماید، یک طرف قضیه است، طرف دیگر قضیه آن است که اصولاً اداره مستعمراتی کابل مشروعیت تدویر یک محکمه ذیصلاح را دارا نیست زیرا آن اداره حاکمیت خود را از اراده مردم نگرفته تا بر مبنای قانونیت و مشروعیت مردمی حق تدویر همچو محاکمی را دارا باشد و اما به ارتباط ادعای باند جنایتکار حقانی و مدافعان نکتائی دار آن که گویا آنها اسرای جنگی اند که در جریان جنگ دستگیر شده اند، لذا باید از مصونیت قوانینی که اسرای جنگی را حمایت می نماید برخوردار باشند، باید افزود:

حتا اگر پذیرفته هم شود که مزدوران طالب نیروهای جنگی اند، نباید یک اصل دیگر همان قوانینی را که مدافعان نکتائی دار طالب بدان استناد می ورزند فراموش نمود که گفته است: وقتی سربازی به عمد یک فرد غیر نظامی را به قتل می رساند، حرکت وی به مثابه جنایت علیه بشریت به شمار رفته، نمی تواند از مصونیت "اسرای جنگی" برخوردار گردد.

حمله بر حوزه یک:

به تاریخ ۱۷ جون سه فرد انتحاری که لباس اردوی دولت پوشالی را به تن داشتند، خود را به حوزه یک پولیس شهر کابل در ناحیه مندوی داخل می کردند که پولیس مانع داخل شدن آنان به داخل حوزه شد. در این اثنا درگیری شدیدی بین پولیس و دو فرد انتحاری رخ داد، در این حال فرد سوم به مستوفیت کابل داخل شده و خود را در میان مردم عوام منفجر نمود که در اثر آن ۵ نفر کشته و شش نفر زخمی شدند. اما دو طالب در گیر بعد از یک ساعت درگیری از پا در افتادند و هر دو به قتل رسیدند.

بعد از این حادثه مردم مندوی که از پر بیرو بار ترین مناطق کابل به حساب می آید، از موجودیت حوزه پولیس در این منطقه اعتراض کرده، خواهان کشیده شدن پولیس از این منطقه بودند. آنان مندوی را بازار اصلی و پر رفت و آمد کابل می دانند و به این خاطر بودن چنین حوزه ای را در این جا خلاف تمام پرنسیپ های نظامی و ملکی می دانند.

از چندی به این سو ، افراد طالب و القاعده تلاش دارند تا با پوشیدن لباس "اردوی ملی" خود را در نقاط حساس نظامی برسانند. این کار را در وزارت دفاع، در پوهنتون هوایی و در تعلیمگاه پولیس در ننگرهار انجام دادند و تلفات بسیاری گرفتند. طالبان اعلان کردند که ۸۰۰ تن از انتحاری های آنان به شکل نفوذی در این اردو داخل شده و در مواقع معین حملات شان را انجام خواهند داد. به این خاطر امریکائی ها اعلان کردند که ۸۰ تن از اعضای سازمان سیا به افغانستان آمده اند تا این افراد نفوذی را تشخیص داده دستگیر کنند. اما برخی ها این اعلان از هر دو طرف را تبلیغی می دانند تا واقعی باشد.

لویه جرگه وطنفروشی:

امریکائی ها که تصمیم دارند، نیرو های شان را برای همیشه در افغانستان نگهدارند و کشور ما را رسماً به اشغال دائمی خود در آورند، از مدتی به اینسو تلاش های رسمی شان را آغاز کرده اند. آنها تا حال یکبار این ستراتیژی را بر کرسی و سپینتا امضاء کرده اند، اما می خواهند که این کار را در لویه جرگه وطنفروشان اصلی به تصویب برسانند. برای این کار حال کمیسیونی ساخته اند که مجددی این جاسوس کهنه کار و وطنفرش در رأس آن قرار گرفته است و از این بابت پول های کلانی به دست می آورد و قرار است که این کار را چون اجاره به سر برساند و

با اینکه کرزی خود را مخالف امریکائی‌ها نشان می‌دهد، اما در عمل تلاش دارد تا این کار را هرچه زودتر برای بادران به تصویب برساند.

حملات راکتی پاکستان بر کنر:

از چند روز به این سو از پوسته‌های ملیشیائی در مرز میان افغانستان و پاکستان بر ولسوالی‌های سرحدی کنر شلیک راکت صورت می‌گیرد. این فیرها بعد از آن از آنسوی مرز شروع شد که گروهی از طالبان بر منطقه‌ای در دیر حمله کردند و پاکستانی‌ها مدعی شدند که این افراد به وسیلهٔ افغانها مسلح شده و آنسوی سرحد به تهدید گرفته شده است.

تا حال ۱۴۸ فیر راکت بر ولسوالی‌های سرکانو، شیگل و دانگام ولایت کنر صورت گرفته است که در آن هشت تن جان داده بودند، اما شام ۲۰ جون ولسوالی ناری ولایت کنر نیز مورد حملات راکتی از آنسوی مرز قرار گرفت که در اثر آن شش تن جان باختند و با این تلفات تعداد تلفات افغانها در این حملات تا حال به ۱۴ نفر رسیده است. اما دولت پوشالی و نیروهای اشغالگر که در این منطقه حضور دارند تا حال رسماً بر پاکستان اعتراضی نکرده‌اند.

عملیات جدید امریکائی‌ها در جنوب:

جنایتکاران اشغالگر از چندی به این سو که ستراتیژی‌شان برای سپردن امنیت به نیروهای دولت پوشالی تغییر کرده و تصمیم دارند آرام آرام خود را به گوشه‌ای بکشند و تمام مسئولیت جنگ را به این اردو بسپارند، اینک سرعت عملیات‌شان را در جنوب و شرق افغانستان سرعت بخشیده‌اند و به این خاطر تصفیه‌هایی را به زودی در جنوب و شرق شروع خواهند کرد.

این در حالیست که از مدتی به این سو قومندانان اشغالگر امریکائی می‌گویند که در طول سال گذشته با حملات و ضربات پیاپی ستون فقرات طالبان را در بسیاری از نقاط کشور شکسته و بار دیگر به آنها اجازه نمی‌دهند که بر نقاط از دست رفته، مسلط شوند. این ضربات که ۱۸ ماه تمام دوام داشت و به نام امید نامیده می‌شد، بیشتر در قندهار، هلمند و فراه متوجه طالبان بوده و نقاط اساسی پایگاهی آنان از بین رفته است. طالبان در این مسیر بیشتر در شاهراه عمومی کابل - قندهار در منطقه وردک و غزنی به اخلاص امنیت می‌پردازند و به این خاطر در روزهای اخیر تعدادی از نیروهای ضربتی امریکائی در بخشی از ولسوالی‌های نا آرام این دو ولایت جا به جا شده‌اند و تصمیم دارند به طالبان اجازه تجدید نیرو ندهند. این روند بعد از آنکه تصمیم گرفته شد که مسئولیت امنیت در بخش‌هایی از افغانستان به زودی به نیروهای اداره مستعمراتی سپرده شود، تسریع گشته و امریکائی‌ها و متحدان دیگر آنها دست به جابه‌جائی‌های جدیدی در نیروهای‌شان در بسیاری از نقاط کشور زده‌اند.

فرماندهان امریکائی که تصمیم دارند تا قبل از ۲۰۱۴ تغییرات مهمی در وضعیت امنیتی افغانستان به وجود آورند، تصمیم دارند تا بیشتر نیروهای‌شان را در جنوب و شرق افغانستان که در ماه‌های اخیر اوضاع امنیتی آنها به شدت خراب شده متمرکز سازند، اینک برای تصفیهٔ بسیار خونینی کمر بسته و مطمئناً که با توجه به وضعیت این منطقه جنگ و تلفات در آن بیشتر و خونین‌تر خواهد بود. این مناطق بیشتر کوهستانی، جنگلی و هم مرز با ایجنسی‌های پاکستان قرار دارند که از یکسورویارویی با این نیروها را در چنین اراضی با خطر رو به رو می‌سازد و از سوی دیگر نیروهای طالبان به آسانی می‌توانند به دو طرف دیورند به سهولت رفت و آمد کنند.

همین حالا حدود سه هزار نیروی جنگنده سراج الدین حقانی در پکتیا، پکتیکا، خوست، لوگر و کابل متمرکز می باشند و وظیفه دارند تا این خطه را به طور مستمر زیر تهدید قرار دهند و در شرق کشور مخصوصاً در کنر و نورستان نیرو های طالب و حزب اسلامی جابه جا می باشند و چون بر سینه بسیار بلند و پیچیده هندوکش قرار دارند، لذا جنگ در این منطقه برای امریکائی ها کار آسانی نخواهد بود. در صورتی که نیروهای اردوی پاکستان موازی به نیرو های امریکائی در آنسوی سرحد دست به چنین عملیاتی بزنند، وضعیت پشت جبهه طالبان در این منطقه خراب می شود و در منگنه دو عملیات در دو سوی مرز قرار می گیرند که در آن صورت طالبان قادر به حفظ قوای شان در این مناطق هم نخواهند شد.

دولت پاکستان از سالها تلاش داشته است تا به هر شکلی حاکمیت خود را بر ۷ ایجنسی که دارای ۲۷ هزار کیلومتر مربع مساحت و ۵ میلیون سکنه می باشند، تثبیت نماید، زیرا اگر چنین تثبیتی از سوی دولت پاکستان بر این مناطق صورت نگیرد، در آینده قادر به ادعای سرحدی بر دیورند نخواهد شد. حال که نیرو های ناتو تصمیم دارند تا حاکمیت دولت دست نشانده افغانستان را در این طرف مرز تثبیت نمایند، اردوی پاکستان موازی با آن تلاش خواهد کرد تا آنسوی سرحد را در کنترل خود بگیرد و به این خاطر در ماه های آینده شاهد درگیری های خونینی در این منطقه خواهیم بود.

با اینکه رهبران دولت امریکا گفته اند که به خاطر جلوگیری از مصارف بسیار در افغانستان باید به کاهش نیرو هایش در این جا بپردازند، اما جنرال پتریوس که قرار است به زودی ریاست سازمان سیا را به عهده بگیرد، اظهار نظر کرده که نباید تا اواخر ۲۰۱۲ نیرو های امریکائی خاک افغانستان را ترک کنند، چون حفظ جاهای به دست آمده و گسترش مناطقی که در آنها تأمین امنیت صورت گرفته، ضرورت به نیروی عظیمی دارد، پس اوپاما و سران دیگر امریکا نباید با این عجله و شتابزدگی از افغانستان خارج شوند.

نیرو های سراج الدین حقانی که مورد حمایت مستقیم نیروهای آی اس آی در وزیرستان قرار دارد، یکی از نیرو های مهمی است که با یورش نیرو های امریکائی در جنوب ابتداء با این نیرو ها در رویارویی قرار خواهند گرفت. نیرو های حقانی که نسبت به تمام گروپهای بنیاد گرا از پول، امکانات و حمایت بیشتر عرب ها و پاکستانی ها برخوردار اند و تعداد بیشتر انتحاری ها را در اختیار دارد و در جنوب برای نیرو های امریکائی می توانند، بسیار خطر ساز تلقی گردند و به این خطر باعث ایجاد تلفات سنگین بر نیرو های ناتو و امریکا خواهند شد. لذا امریکائی ها برای جنگ جدید آمادگی های بیشتری می گیرند و ممکن نیست در جریان این درگیری ها سرهای بسیاری از انسان های بی دفاع و بیطرف به خاک سپاه افکنده شود.

نیرو های امریکائی در این عملیات با اینکه تلفات بیشتری را متحمل خواهند شد، اما با استفاده از وسایل پیشرفته نظامی و سلاح های پیشرفته، ضربات کاری بر پیکر طالبان نیز وارد خواهند ساخت و بیشتر از قوای هوایی استفاده خواهند کرد و به این صورت در این جنگ تلفات غیرنظامیان نیز بالا خواهد رفت. اما امریکائی ها در کنار حمله بر پایگاه های طالبان در این مناطق، سران طالب و القاعده را با طیاره های مؤثر و خطرناک بی پیلوت در باجور و وزیرستان به شدت مورد حمله قرار خواهند داد و به این صورت به زودی در وضعیت جنگ در این منطقه تغییریاتی رو نما خواهد گشت.

این جنگ برای امریکائی ها که می خواهند حتماً برنده آن باشند بسیار مهم می باشد، چون بعد از آن می توانند ادعا کنند که حال تروریسم را تا حدی شکست داده و در پایگاه های خود باید استقرار پیدا کنند. اما بخشی از این مزدوران طالب را نگه خواهند کرد تا به مردم افغانستان بگویند که تا هنوز غایله ختم نشده و به این خاطر باید در

افغانستان برای احتیاط و روز مبدا بخشی از طالبان را به عنوان نیروی فشار نگهدارند و به این صورت دیده می شود که طالبان ضرورت حضور امریکائی ها و امریکائی ها ضرورت حضور و زندگی جنگی طالبان را می سازند.

سه میلیون تن مصروف به تولید و قاچاق مواد مخدر:

معین مبارزه با مواد مخدر در وزارت داخله مدعی است که سه میلیون تن در افغانستان مصروف به تولید و قاچاق مواد مخدر است. این درحالیست که بیشتر فاسدان دولتی و جنگسالاران به این قاچاق دست می زنند و کسی قادر نیست در برابر آن ها ایستادگی کند. چند روز قبل عنایت الله برادر فوزیه کوفی و مریم کوفی دو تن از وکیلان ولسی جرگه با ۴۹ کیلوگرام هیروئین در بدخشان دستگیر شدند. سه ماه قبل اسدالله حقجو که از خلقی های معروف سابقه بود، در دلارام با ۴۵ کیلوگرام تریاک، ۲ کیلوگرام هیروئین و ۱۳۰ میلیون تومان و دو پسرش که یکی صاحب منصب بود به این جرم گرفتار شدند و حال فعالان خلقی به دنبال کار او اند تا وی را خلاص کنند. او و دو پسرش در محکمه اول به ۲۰ سال حبس محکوم شد و حال زنش که یک دوره نماینده انتصابی کرسی در مشرانو جرگه بود، به دنبال کار او است تا با دادن پول و به کار اندازی واسطه مدت حبسش را تقلیل بدهند. به این صورت تمام قاچاقچیان دولتی می توانند به آسانی با پرداخت پول و داشتن واسطه یا حبس شان به شدت تقلیل یابد و یا خلاص شوند کاری که در مورد حقجو نیز صورت خواهد گرفت و خواهران کوفی نیز تلاش دارند تا جزای برادر شان را در حد ممکن کم سازند.